

تحولات آموزش عالی چین: فرصت‌ها و چالش‌ها

دکتر محمدجواد لیاقت‌دار*

محمد نیکخواه**

چکیده

امروزه آموزش عالی در همه کشورهای، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار رشد و توسعه همه‌جانبه شناخته می‌شود؛ از این رو، مباحث مربوط به تحول، اصلاح و بهبود کمی و کیفی آن، از جمله مباحث عمده مربوط به توسعه همه‌جانبه و پایدار است. نظام آموزش عالی کشور چین نیز در چند دهه گذشته، به‌رغم جمعیت زیاد و نظام کمونیستی، تحولات وسیعی را تجربه کرده و به پیشرفت‌های زیادی دست یافته است؛ چون مطالعه این تحولات برای سایر کشورهای، از جمله ایران آموزنده است. در این پژوهش، به بررسی مهم‌ترین تحولات، اصلاحات و چالش‌های آموزش عالی آن پرداخته شده است. بررسی‌ها حاکی است که آموزش عالی چین چهار دوره مهم و متمایز را از نظر تاریخی تجربه کرد و در این دوران، دچار تغییرات و تحولات متعددی شد. همچنین، با توجه به مسائل متعددی از جمله جهانی‌سازی، اقتصاد مبتنی بر بازار و سیاست درهای باز، گام‌های بزرگی در جهت بهبود و اصلاح آموزش عالی برداشته، که برجسته‌ترین آنها رتبه‌بندی مؤسسات آموزش عالی و اجرای پروژه‌های ۲۱۱ و ۹۸۵ بوده است. آموزش عالی چین با چالش‌های مهمی نیز از جمله نابرابری دستیابی به آموزش عالی، بیکاری فارغ‌التحصیلان، کاهش کیفیت آموزشی و تغییرات جمعیتی رو به رو است، که در این مقاله به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، اصلاحات، تحولات آموزشی و چالش‌های آموزش عالی چین

* دانشیار دانشگاه اصفهان

** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان (مسئول مکاتبات: m.nikkhah2@yahoo.com)

مقدمه

کشور جمهوری خلق چین به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور جهان، گسترده‌ترین نظام آموزشی را در بین تمامی کشورها به خود اختصاص داده است و در حال حاضر، بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از جمعیت چین در مقاطع تحصیلی مختلف، اعم از کودکان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه، به تحصیل اشتغال دارند. آموزش عالی در چین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از اهداف اصلی آن، تربیت افراد با انواع و سطوح مختلف تخصص، برای توسعه بخش‌های مختلف کشور عنوان شده است. با این هدف، در طی چند دهه گذشته، آموزش عالی تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده، به گونه‌ای که مسئله کیفیت و کیفیت آن به طور ویژه‌ای مورد توجه رهبران آن کشور قرار گرفته و گام‌های متعدد و قابل ملاحظه‌ای نیز در این زمینه برداشته شده است.

با وجود همه اقداماتی که در زمینه توسعه و بهبود نظام آموزش عالی چین برداشته است، اما هنوز این نظام تا رسیدن به یک نظام مطلوب و درخور توجه، فاصله زیادی دارد، به گونه‌ای که «زیهلی»^۱ وزیر آموزش و پرورش وقت چین، در کنفرانس جهانی آموزش عالی در قرن ۲۱ که در اکتبر ۱۹۹۸ در شهر پاریس برگزار شد، بیان کرد: «چین به عنوان یک کشور در حال توسعه، با بیش از ۱/۲ میلیارد جمعیت، بزرگ‌ترین جمعیت واجد شرایط آموزش را دارد، اما با این وجود چین یک کشور قدرتمند در زمینه آموزش عالی نیست و نظام آموزش عالی آن هنوز با مسائل و مشکلات اساسی و واقعی بی‌شماری روبه رو است و راه‌های طولانی را در زمینه اصلاحات و توسعه در پیش دارد. اما با این حال دولت چین مطمئن است که در طی قرن بیست و یکم می‌تواند به یک نظام آموزش عالی قدرتمند، بر اساس فلسفه‌های نوین آموزشی، دست یابد» (یونسکو، ۱۹۹۸).

با توجه به اینکه نظام آموزش عالی کشور چین به عنوان یک کشور آسیایی و دارای نظام کمونیستی، به شدت متمرکز و (به‌رغم جمعیت کثیر آن در طول چند دهه گذشته) تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است، مطالعه نظام آموزش عالی این کشور برای سایر ملت‌ها، به ویژه نظام آموزش عالی ایران آموزنده خواهد بود؛ از این رو، در این مقاله، تلاش شده است که به بررسی نظام آموزش عالی کشور چین و مهم‌ترین تحولات آن در چند دهه اخیر پرداخته شود.

تاریخچه نظام آموزش عالی چین

قبل از بررسی نظام آموزشی هر کشوری، بررسی تاریخچه شکل‌گیری، رشد و تکوین آن نظام بسیار آموزنده است و می‌تواند تصویر روشنی از آن نظام و سیر تحولات

تاریخی آن ترسیم کند؛ از این‌رو، بررسی تاریخچه نظام آموزش عالی چین نیز قبل از بررسی وضعیت فعلی آن می‌تواند برای درک تغییرات و تحولات آن مفید واقع شود. تاریخ تحولات آموزش عالی کشور چین در چهار مرحله (برندنبرگ و زو، ۲۰۰۷) به شرح زیر قابل بررسی است:

۱. مرحله آغازین^۲، قبل از سال ۱۹۴۹

ریشه‌های نظام آموزش رسمی چین، حداقل ۱۶ قرن پیش از میلاد، یعنی زمان حکومت سلسله شانگ^۳ (۱۵۲۳ تا ۱۰۲۷ ق.م) برمی‌گردد. در سراسر این دوران، آموزش و پرورش، فقط منحصر به افراد طبقه بالا و نخبگان جامعه بوده و افراد گروه‌های پایین جامعه از این حق برخوردار نبودند. بعد از این دوران تا مدت‌ها برنامه درسی، اغلب مبتنی بر آموزش‌های کنفوسیوس (۵۵۱ تا ۴۷۹ ق.م) و آنچه به اصطلاح «هنرهای شش‌گانه» نامیده می‌شد، یعنی مناسک، موسیقی، تیراندازی، ارباب‌رانی، تاریخ و ریاضیات^۴ بوده است. در طی دوران جنگ، بین نواحی مختلف (۷۷۰ تا ۲۲۱ ق.م)، برنامه درسی در نظام آموزشی چین اغلب مبتنی بر یکی از دو روش کتاب‌های چهارگانه و پنج کتاب ادبیات یونان و روم باستان بوده و این فعالیت‌ها مبتنی بر اصول جامعه و دولت بودند. فلسفه کنفوسیوسی تأثیر مهمی بر همه جنبه‌های زندگی و به ویژه آموزش و پرورش گذاشته بود و این مسئله تا زمان گسترش حزب کمونیست در چین در سال ۱۹۴۹ ادامه داشت (مک‌میلین^۵، ۲۰۰۳).

در سال ۱۹۰۵ نظام آموزشی نوینی در چین پیاده شد و اقدامات اصلاحی متعددی از سوی سلسله کوینگ^۶ در زمینه نظام آموزشی به وقوع پیوست و از این طریق مؤسسات آموزشی و دانشگاه‌های قدیمی ملزم به بازسازی نظام آموزشی خود در قالب نظام‌های نوین آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی بر اساس الگوهای غربی شدند (شلی^۷، ۲۰۰۱).

در سال ۱۹۱۱، حکومت کوینگ از طریق انقلاب بورژوا^۸ سقوط کرد و دولت جمهوری خلق چین در این کشور پایه‌گذاری شد. در این زمان، الگوهای آموزشی اروپایی، امریکایی و ژاپنی در سرزمین چین رخنه کردند. به دلیل سازگاری بیشتر نظام آموزشی ژاپن با وضعیت چین، نظام آموزشی ژاپن، در این کشور در معرض آزمایش

1. Uwe, Brandenburg & Jiani, Zhu

2. Initial phase

3. Shang, Dynasty

4. "Six Arts": Rites, music, archery, chariot-riding, history, and mathematics

5. J. S. McMillian

6. Qing

7. Shelley

8. Bourgeois revolution

قرار گرفته و سپس از طریق تعدادی چینی که در ژاپن تحصیل کردند، این نظام در سراسر چین به مرحله اجراء درآمد. در اوایل دهه ۱۹۲۰، نظام آموزشی چین به تدریج به نظامی که بیشتر به الگوهای آمریکایی شبیه بود، گرایش پیدا کرد. در سال ۱۹۲۱ حزب کمونیست چین رسمیت یافته و آراء و نظریه‌های خود در مورد آموزش و پرورش مطلوب جامعه کمونیستی را به نظام آموزشی این کشور تحمیل کرده است (شلی، ۲۰۰۱). در این زمان، همه طرف‌های درگیر در نظام آموزشی، به طور همه‌جانبه به توافق رسیدند که باید یک نظام آموزشی یکپارچه و متحد برای پاسخ‌گویی به نیازهای فناورانه کشور، به گونه‌ای که همه توده‌های مردم و به ویژه روستاییان به راحتی به آن دست یابند، ایجاد کنند. بدین منظور، چندین دانشگاه به طور آزمایشی برای ارائه دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش از راه دور و خودآموز تأسیس شد، که از جمله آنها می‌توان به دانشگاه خودآموز تجربی هانا که از طریق زدونگ^۱ تأسیس شد، اشاره نمود. هدف اصلی این دانشگاه، فراهم کردن فرصت‌های آموزشی برای افرادی که به سایر روش‌ها قادر به دستیابی به آموزش عالی نبودند، بود. با هجوم ژاپن به چین در اواخر دهه ۱۹۳۰، این دانشگاه‌ها تا بعد از سال ۱۹۴۹ به حالت تعلیق درآمدند (یان و فری^۲، ۲۰۰۵).

گرچه اسناد و مدارک موجود، حاکی از این هستند که در چین باستان مؤسسات آموزش عالی متعددی از قرن‌ها قبل وجود داشته، اما تاریخچه مؤسسات آموزش عالی به سبک جدید در چین بسیار جوان‌تر از این تاریخچه در کشورهای اروپایی و خاورمیانه است. با این حال، در قرن هفدهم در چین چند دانشگاه خصوصی تأسیس شد که قابل مقایسه با دانشگاه‌های اروپایی بودند (هی هو^۳، ۱۹۸۹). این مؤسسات در بدو تأسیس، صرفاً همانند کتابخانه‌های عمومی عمل می‌کردند؛ سپس به مؤسسات تحقیقاتی و بعد آکادمی‌های خصوصی تبدیل شدند، که وظایف آموزشی متعددی را بر عهده داشتند و به دلیل عدم تخصیص بودجه کافی از سوی دولت، اغلب از طریق کمک‌های دانشجویی اداره می‌شدند. در میان آنها، چهار آکادمی برجسته وجود داشت که عبارت هستند از: آکادمی «یولو»^۴ که در سال ۹۷۶، «یلودونگ»^۵ در سال ۹۴۰، «سییانگ»^۶ در سال ۱۰۰۹ و «سونگ یانگ»^۷ که در سال ۴۸۴ تأسیس شدند (برندنبرگ و زو، ۲۰۰۷).

1. Short-lived Hunan Self-Study University , Mao Zedong
2. Bai-Yun & James Frey
3. Hay hoe
4. Yuelu
5. Bailudong
6. Saiyang
7. Songyang

به دنبال تغییرات صنعتی و رشد و توسعه جوامع مختلف تا سال ۱۹۴۹، حدود ۲۰۵ دانشگاه در چین تأسیس شد، که با توجه به جمعیت حدود ۵۸۰/۵ میلیونی کشور در سال ۱۹۵۲، هنوز فاصله زیادی تا تحت پوشش قرار دادن، جمعیت کثیر واجدالشرایط آموزش عالی وجود داشته است (زهو^۱، ۱۹۹۴).

۲. مرحله گذار^۲ ۱۹۷۶-۱۹۴۹

این مرحله از رشد و توسعه آموزش عالی چین از طریق دو رویکرد مخالفی که در سیاست‌های مربوط به آموزش عالی آن وجود داشته، قابل تبیین است. از یک طرف، بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ شمار دانشگاه‌های جامع کشور از ۴۹ دانشگاه به ۱۳ دانشگاه کاهش یافت، که این مسئله باعث شد تا امکان دستیابی به آموزش عالی در رشته‌های مربوط به علوم انسانی و اجتماعی به طور نگران‌کننده‌ای کاهش یابد و تعداد دانشجویان آنها از ۳۳/۱ درصد در سال ۱۹۴۹ درصد به ۱۴/۹ درصد در ۱۹۵۳ برسند. در نتیجه این اقدام، دولت ترغیب شد که دو هدف بزرگ را برای نظام آموزش عالی ترسیم کند: اول اینکه آموزش عالی باید آشکارا ماهیت سیاسی داشته باشد و به دولت جدید که از سوی حزب کمونیست چین رهبری می‌شد، تعلق داشته باشد و دیگر اینکه به طور مستقیم در خدمت برآورده‌ساختن نیازهای توسعه سریع اقتصادی کشور جدید باشد (اویانگ^۳، ۲۰۰۴).

در اولین کنفرانس ملی چین که در سال ۱۹۵۰ برگزار شد، اهداف نظام آموزش عالی بدین شرح بیان شده‌اند: تربیت نیروی انسانی ماهر برای ایجاد ملتی با سطح فرهنگی بالا، کسب موفقیت‌های فنی و علمی پیشرفته در سطح جهانی، خدمت صادقانه به مردم و آموزش افراد از طریق روش‌های آموزشی نوین که به عنوان واحدهای نظری و عملی شناخته می‌شوند (هی هو^۴، ۱۹۸۹).

هر چند که اهداف آموزش عالی چین به گونه‌ای که در بالا بیان شده است، به تصویب دولت رسیدند، اما مسئله شگفت‌انگیز این است که در دهه ۱۹۵۰ اغلب دانشگاه‌های چینی به طور کامل از الگوهای موجود در دانشگاه‌های اتحاد جماهیر شوروی تبعیت می‌کردند؛ زیرا در آن زمان، دولت جدید چین به دلیل کم‌تجربگی به شدت وابسته به مشاوره و کمک‌های دولت اتحاد جماهیر شوروی بوده است و از این رو، بیش از ۳۰ سال شوروی توانست کمونیسم را در چین به نحو مؤثری گسترش دهد (گو^۵، ۲۰۰۴). در طی دهه سال ۱۹۵۰، ۸۶۱ نفر متخصص و کارشناس آموزشی از

1. Zhuo, Qingjun
2. Transitional phase
3. Ouyang
4. Hayhoe
5. Gu

از شوروی برای مشارکت در اصلاحات و تأسیس مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه در چین به این کشور فرستاده شد (چن،^۱ ۲۰۰۳).

به رغم اینکه در سال ۱۹۵۲ یک هماهنگی همه‌جانبه‌ای بین دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی چین به وجود آمد و این هماهنگی توانست باعث تسهیل ساختار صنعتی چین، توسعه و گسترش علوم، فناوری و تولید میزان عظیمی از توانایی‌های بالقوه خاص برای توسعه اقتصادی دهه ۱۹۵۰ شود (یانگ، ۲۰۰۷)، اما با این حال، این تغییرات مسائل متعددی را به دنبال داشته که یکی از مهم‌ترین آنها کاهش شدید و نگران‌کننده شمار دانشگاه‌های جامع و به دنبال آن کاهش گروه‌های درسی و دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی و مسئله نگران‌کننده دیگر تقسیم دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های خاص و دارای رشته‌های مجزا و بسیار ساختارمندی بود که فارغ‌التحصیلان خود را به سوی کوه فکری و یک‌جانبه‌نگری سطحی سوق می‌داد (چن، ۲۰۰۳).

در سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۶ نیز دو تغییر عمده در آموزش عالی چین رخ داد که اولین آنها تمرکززدایی در سطح مدیریتی دانشگاه‌ها به واسطه انحلال وزارت آموزش عالی چین و دومین آنها افزایش نگران‌کننده تعداد مؤسسات آموزش عالی بوده است. این مسئله، باعث شد که چین به طور فزاینده‌ای به سوی اقتصاد جهانی کشانده شود و در همین زمان کمونیسم نیز با قدرت هرچه تمام‌تر در آن کشور گسترش پیدا کرد (هی هو، ۱۹۸۹).

بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ تعداد مؤسسات آموزش عالی در چین ناگهان از ۲۲۹ دانشگاه به ۱۲۸۹ دانشگاه افزایش یافت که این افزایش ناگهانی حتی برای دولت نیز بسیار نگران‌کننده و دور از ذهن بود؛ در نتیجه، دولت اقدام به کاهش آنها به ۶۱۰ مؤسسه تا سال ۱۹۶۲ و ۴۳۴ مؤسسه تا سال ۱۹۶۵ کرده است. با این حال، نرخ رشد دانشجو، از نظر میزان فرصت دستیابی به دانشگاه از ۶/۸ نفر در هر ۱۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۵۷ به ۹/۳ نفر برای هر ۱۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۵ افزایش یافت (سالنامه آماری چین،^۲ ۱۹۹۹).

یکی دیگر از تغییرات اساسی که در این دوره در آموزش عالی چین اتفاق افتاد، ممانعت از فعالیت مؤسسات آموزش عالی که از سبک‌های موجود در دانشگاه‌های کشورهای غربی تقلید می‌کردند، بوده است، که در نتیجه، انقلاب فرهنگی چین منجر به انحلال وزارت آموزش و پرورش رسمی کشور شد. طی یک دهه این وضعیت روزبه‌روز بدتر شد و این عمل باعث شد که گروه سنی یک نسل بی‌سواد باقی بماند و فرصت‌ها و امکانات قابل توجهی از بین بروند (هی هو، ۱۹۸۹).

6. Chen

1. China statistical yearbook

۳. دوره رونق گرفتن^۱: از سال ۱۹۷۶ تا امروز

در سال ۱۹۷۷ مجدداً آزمون‌های ورودی دانشگاه‌های ملی^۲ یا «کنکور»^۳ مجدداً در کشور چین برگزار شد (مولینز^۴، ۲۰۰۵) و در آن سال حدود ۵/۵ میلیون نفر داوطلب در آزمون شرکت کرد که حدود ۲۷۰/۰۰۰ نفر از آنها به مؤسسات آموزش عالی پذیرفته شدند، اما با توجه به جمعیت ۹۶۲/۵ میلیونی چین در سال ۱۹۷۸، این نرخ ورود به آموزش عالی فقط ۳٪ از جمعیت چین بود. از این رو نظام مدارک علمی چین^۵ دو باره احیاء شده است و این نظام، اقدام به ارائه مدارک تحصیلی در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا کرد و نظام تحقیقاتی فوق دکترا نیز به دنبال آن تأسیس شد (مجله آموزش و پرورش چین^۶، ۲۰۰۷).

نظام مدارک علمی شامل ۲۷۰ رشته با موضوعات مختلف بوده و توسعه موضوعات مجزا، در نتیجه پاسخ‌گویی به توسعه‌هایی که در تحقیقات بین‌المللی و آموزشی احساس می‌شد، بوده است. چون احساس می‌شد که این نظام با رشته‌های علمی موجود هم‌خوانی ندارد؛ بنابراین، ضرورت داشت که رشته‌ها و مقولات بیشتری برای به روز کردن آموزش‌های دانشگاه‌های چین، با دانش روز و دارای سطح جهانی، در برنامه درسی آموزش عالی کشور چین گنجانده شود. برای این منظور، کمیته‌های تحقیقاتی متعددی برای پاسخ‌گویی به این تغییرات، طی تصمیمات متعددی که در جلسات سیاسی چین اتخاذ شد، در این زمان تأسیس شد (یوان^۷، ۲۰۰۰).

۴. آموزش عالی امروزی چین

یکی از اقدامات اساسی که در دهه اخیر در زمینه آموزش عالی چین اتفاق افتاد، مجزا کردن آن از آموزش و پرورش این کشور بود. اقدام دیگر در این زمینه، تدارک دوره‌های آموزش عالی خاصی است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: دوره‌های دو یا سه ساله تحصیلات دانشگاهی که به طور عمده برای اعطای مدارک کوتاه‌مدت برگزار می‌شوند، دوره‌های تحصیلی چهار ساله دانشگاهی که در آنها مدارک کارشناسی و مدارک حرفه‌ای ارائه می‌شود و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی که اقدام به ارائه دوره‌هایی برای اعطای مدارک کارشناسی ارشد و دکترا می‌کنند (برنامه فعال MoE^۸، ۲۰۰۵).

1. Booming phase
2. National College Entrance Exam (NCEE)
3. Gaokao
4. Mullins
5. The academic degree system
6. China education newspaper
7. Yuan
8. MoE action plan

بعد از ذکر تاریخچه مختصری از روند شکل‌گیری و تحولات نظام آموزش عالی چین، در ادامه، به بررسی وضعیت کنونی این نظام از جنبه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

منابع مالی و شهریه‌های نظام آموزش عالی چین

با توجه به اینکه حکومت چین یک حکومت کمونیستی است، قاعداً بودجه‌های مربوط به آموزش عالی این کشور نیز باید به طور عمده از طریق دولت مرکزی تأمین شوند. گرچه در زمان تأسیس جمهوری خلق چین، پرداخت شهریه برای تحصیل در مراکز آموزش عالی این کشور آزاد و هر کس از توانایی مالی برخوردار بوده است و تمایل داشت، شهریه می‌پرداخت و بقیه به طور رایگان از آموزش عالی برخوردار می‌شدند، ولی در سال ۱۹۸۵ با تداوم سیاست اصلاحات و اقتصاد بازار آزاد، وابستگی مالی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به دولت مرکزی به شیوه‌های مختلف کاهش یافت؛ از این‌رو، براساس تصمیمات و احکام اصلاح‌طلبانه نظام آموزشی، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بیان کرد که دانشجویانی که در شمار برنامه‌های ملی قرار ندارند، باید برای تحصیل در مراکز آموزش عالی، میزان قابل توجهی پول که بعداً شهریه نامیده شد، بپردازند. در سال ۱۹۸۹ در یک سند دیگر موسوم به تصمیمات و احکام ضروری شدن شهریه‌ها و تعیین میزان آن برای مؤسسات آموزش عالی مختلف قانونمند شد. در نهایت، در سال ۱۹۹۳ و در پی اصلاح و توسعه نظام آموزشی چین بیان شد که آموزش عالی از جمله آموزش‌های غیراجباری است؛ بنابراین، دانشجویانی که قصد ادامه تحصیل در آموزش عالی را دارند، باید شهریه‌های مربوطه را به اجبار بپردازند. از آن زمان تاکنون در نوع دریافت و میزان شهریه‌های دوره‌ها و رشته‌های مختلف مؤسسات آموزش عالی چین تغییرات متعددی صورت گرفته است (هفته‌نامه چین، ۲۰۰۵).

افزایش بی‌رویه تعداد دانشجویان آموزش عالی

در ابتدای شکل‌گیری نظام آموزش عالی رسمی چین، هدف اصلی آن، فقط آموزش نخبه و نخبه‌پروری بوده است؛ از این‌رو، تعداد بسیار کمی از فارغ‌التحصیلان متوسطه از فرصت دستیابی به آموزش عالی برخوردار بودند، اما در سال ۱۹۹۹ چین به طور سرسام‌آوری اقدام به گسترش آموزش عالی خود کرد، که دلیل این امر، گسترش سریع آموزش متوسطه و افزایش تعداد دانش‌آموزان آن بوده است؛ از این‌رو، تعداد زیادی از دانش‌آموزانی که از آموزش متوسطه فارغ‌التحصیل می‌شدند، برای ادامه تحصیل به

آموزش عالی هجوم می‌آوردند و از آن پس، تعداد متقاضیان دستیابی به آموزش عالی به طور دائم افزایش می‌یافت. از این‌رو دولت برای پاسخ‌گویی به این امر، مبادرت به فراهم کردن فرصت‌های آموزشی بیشتر برای متقاضیان ورود به مراکز آموزش عالی کرد؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۹۰ فقط کمتر از ۴٪ از افراد گروه سنی ۱۸ تا ۲۲ ساله فرصت دستیابی به آموزش عالی را داشتند، اما در سال ۲۰۰۵، حدود ۲۲٪ از این گروه سنی (حدود ۲۳ میلیون نفر)، فرصت دستیابی به آموزش عالی را کسب کردند، اما به رغم این افزایش در نرخ ثبت نام، به دلیل وجود کنکور، فقط افراد خاصی که تلاش زیادی برای ورود به آموزش عالی می‌کردند، قادر می‌شدند به مؤسسات آموزش عالی راه یابند (بی، ۲۰۰۷). با این وجود، در سال ۲۰۰۷ وزیر آموزش و پرورش چین اعلام کرد که در این سال، حدود ۱۰/۱ میلیون نفر در کنکور سراسری کشور شرکت کردند، که ۵/۶۷ میلیون (حدود ۵۶٪) آنها به مؤسسات آموزش عالی راه خواهند یافت؛ یعنی با توجه به اینکه در سال ۱۹۷۷ نسبت پذیرش دانشجو در مؤسسات آموزش عالی چین، ۲۰ به ۱ بود، این نسبت در سال ۲۰۰۷ به ۲ به ۱ رسیده است (برندنبرگ و زو، ۲۰۰۷).

انواع مؤسسات آموزش عالی در چین

با توجه به اینکه در حال حاضر خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان آموزش متوسطه کشور چین متقاضی ورود به مراکز آموزش عالی هستند، و حدود ۲۳ میلیون نفر از آنان نیز در حال حاضر در این مراکز تحصیل می‌کنند، پاسخگویی به این سؤال که چه نوع مؤسسات آموزش عالی باید برای پاسخگویی به نیازهای آموزشی ۲۳ میلیون نفر دانشجو با استعدادها، علایق، نیازها و توانایی‌های مختلف و نیز نیازهای متعدد بخش‌های مختلف جامعه بیش از ۱/۲ میلیاردی چین، خدمات آموزشی متناسبی را ارائه کنند، فراهم شود؟ باید گفت که بیشتر مؤسسات آموزش عالی چین، نیز همانند الگوهای رایج در نظام‌های آموزش عالی کشورهای اروپایی و امریکای شمالی و سایر کشورهایایی که این مؤسسات از آنها نشئت گرفتند، هستند؛ به طوری که مؤسسات آموزش عالی در کشور چین نیز همانند اغلب کشورها عبارت هستند از دانشگاه‌های دائمی دولتی، دانشگاه‌های فنی، مؤسسات آموزش عالی کشاورزی، زبان‌های خارجی، پزشکی، دانشکده‌های حرفه‌ای، مراکز تربیت معلم برای تربیت معلمان، و دانشکده‌های خاص. طبق آخرین آمار، در حال حاضر، ۱۶۵۰ مؤسسه آموزش عالی دائمی دولتی، ۵۲۸ مؤسسه آموزش بزرگسالان و حدود ۲۱۴ مؤسسه آموزش عالی خصوصی عهده‌دار آموزش‌های عالی و تخصصی در چین هستند (دفتر حمایت‌های آموزشی بیجینگ سرزمین‌های شمالی، ۲۰۰۵).

1. Bie

2. Netherlands education support office Beijing

اصلاحات و فرایندهای نظام آموزش عالی چین

در دهه ۱۹۸۰، آموزش عالی چین با چهار مسئله عمده روبه رو شد که عبارت‌اند از: شتاب گرفتن گسترش علوم و فناوری، اصلاحات و نوآوری‌های اجتماعی، اصلاح نظام اقتصادی و روش‌های نوین تولیدی و گسترش تضاد و تناقض بین فرهنگ چینی و فرهنگ غربی. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، دهه ۱۹۸۰ به عنوان دوره تغییرات عمده در بخش آموزش عالی چین محسوب می‌شود. چین در این سال، اصلاحات فراوانی را در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علوم و فناوری آغاز کرد، که این اصلاحات بر نظام آموزشی این کشور نیز به شدت تأثیرگذار بودند. مهم‌ترین گام در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ برداشته شد و در این دوره، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تصمیمات متعددی را در زمینه اصلاح نظام آموزشی اتخاذ کرد، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: تصویب قوانین مربوط به ایجاد اصلاحات و توسعه در نظام آموزشی چین در سال ۱۹۸۵، برنامه توسعه پنج‌ساله نهم در سال ۱۹۹۶ و طراحی اولین برنامه فعال برای تقویت و تثبیت آموزش و پرورش در سال ۱۹۹۸ و اجرای آن از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷. از دهه ۱۹۷۰ به بعد محیط درونی و بیرونی آموزش عالی تغییرات معناداری را تجربه کرد، که باعث به وجود آمدن ساختار سازمانی فعلی آموزش عالی چین شد (یوان، ۲۰۰۰).

وزیر آموزش و پرورش چین در یک نطق عمومی بیان کرد که هدف اصلی اصلاحات آموزش عالی چین در واقع هموار کردن روابط بین حکومت، جامعه و مؤسسات آموزش عالی است. در این راستا، برنامه‌ریزی و ایجاد یک سیستم جدید آموزش عالی به گونه‌ای که پاسخگوی برنامه‌ریزی همه‌جانبه و مدیریت عالی کشور باشد، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است (MoE، ۲۰۰۷). راهکارهای اصلاح‌گرایانه اعلام‌شده به طور عمده بر محور خودکفا شدن مؤسسات آموزشی دور می‌زنند.

بر اساس اعلام MoE (۲۰۰۷)، سیاست‌های جدیدی که مؤسسات آموزش عالی لازم است در پیش گیرند، عبارت‌اند از: مدارک علمی مستقلی که افراد از مؤسسات آموزش عالی کسب می‌کنند، نظام‌های مالی جدید که هم دربرگیرنده بودجه‌های مؤسسات آموزش عالی جدید و هم نرخ‌های شهریه‌ها باشد، و درنهایت راهبردها و نظام‌های استخدامی جدید اعضای هیئت علمی و سایر کارکنان و پرداخت حقوق‌ها بر اساس کمیّت و کیفیت عملکرد آنها، اما به رغم این اصلاحات، MoE همچنان بر مسؤلیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و نقش دولت مرکزی در آموزش عالی تأکید دارد.

تأکید فراوان مردم چین بر اهمیت آموزش و نیز رویکردهای متمرکز آموزشی، ریشه در سنن قدیمی آنان دارد. به طور سنتی از یک طرف آموزش و پرورش به عنوان

یکی از فضایل اصیل و ارزش‌های اساسی در جوامع چینی مورد توجه قرار می‌گیرد و این موضوع یکی از میراث‌های فلسفی چین در زمینه تلاش و کوشش برای کسب دانش است و دولت نیز تمایل شدیدی به حفظ این سنت دارد و از طرف دیگر، مردم چین انتظار دارند که دولت در این زمینه آنان را هدایت و راهنمایی کند (اویانگ، ۲۰۰۴).

مطالعه توسعه‌های جدیدی که در کشور چین رخ داده است، بیانگر پنج ویژگی هستند: جهانی‌سازی، ترکیب یا جامعیت، مدرن‌سازی، متنوع‌سازی و آموزش مقدس یا خودشکوفایی.^۲ با توجه به این ویژگی‌ها، هدف آموزش عالی چین امروز تغییر کرد، به گونه‌ای که به جای اینکه به آموزش عالی به عنوان یک سلاح سیاسی نگاه شود، به آن به عنوان ابزاری برای آموزش و تولید استفاده می‌شود. علاوه بر این، به همان صورت که نظام آموزش عالی چین در جوامع چینی از ارجحیت فراوانی برخوردار شد، عملکرد آن نیز باز تعریف شده است، به گونه‌ای که مراکز آموزش عالی به جای اینکه به عنوان مراکز آموزشی محض شناخته شوند، در زمینه تحقیقات علمی، تحقیق و آموزش اجتماعی نقش‌های بسیار مهمی را ایفا می‌کنند (اویانگ، ۲۰۰۴).

حیطه‌ها و گرایش‌های جنبش‌های اصلاحی چین را می‌توان تا قبل از اجرای پروژه‌های ۲۱۱ و ۹۸۵ به پنج صورت خلاصه کرد: از کنترل مرکزی به خودمختاری و استقلال بیشتر محلی، از نخبه‌پروری به آموزش همگانی، از تخصص‌گرایی به جامع‌نگری، از عمومی بودن به خصوصی بودن و از ملی بودن به بین‌المللی بودن.^۳ همه پنج جنبه مذکور به طور ویژه‌ای در برنامه‌های عملکردی ۲۰۰۳-۲۰۰۷ برای تقویت و نیروبخشی به آموزش عالی ترسیم شده‌اند (برنامه فعال MoE، ۲۰۰۵).

سایر جنبه‌های آموزشی که در اسناد دیگر برجسته شدند، شامل اجرای آموزش کیفیت‌محور، تقویت نوآوری‌های آموزشی، اجرای قوانین دولتی در آموزش عالی و باز کردن درهای آموزش عالی به سوی پدیده جهانی شدن است. اسناد دیگر نیز دو اولویت عمده را در نظام آموزش عالی چین بیان کردند که عبارت‌اند از: آموزش نواحی روستایی، توسعه دانشگاه‌های برجسته و موضوعات علمی اساسی. برجسته‌ترین اقدام آموزش عالی چین رتبه‌بندی کردن مؤسسات آموزش عالی بوده که این امر در نظام آموزش عالی چین و برنامه‌های اصلاحی ۲۱۱ و ۹۸۵ به‌طور دقیق تشریح شده است.

1. Ouyang

2. Internationalisation, synthesis/comprehensiveness, modernisation, diversification, and holistic education/self-cultivation

3. From central regulation to more local autonomy, elite to mass education, specialisation to breadth, public to private, national to international

رتبه‌بندی^۱ و خط‌مشی آموزش عالی چین

گرایش به رتبه‌بندی را می‌توان به‌عنوان نتیجه‌ای از سیاست‌های بلندپروازانه سال‌های اخیر دولت چین و نیز پی بردن به لزوم اطمینان‌بخشی کیفی آموزش عالی، مورد ملاحظه قرار داد. تاریخچه رتبه‌بندی به سال ۱۹۸۵ و هنگامی که کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تصمیم به انجام اصلاحات در نظام آموزشی این کشور گرفته بود، بر می‌گردد. در این کمیته، مقرر شد که مؤسسات آموزش عالی به طور دائم ارزیابی و با یکدیگر مقایسه و بر این اساس رتبه‌بندی شوند. اولین رتبه‌بندی دانشگاهی در چین، در سال ۱۹۸۷ از سوی مؤسسه علوم مدیریتی چین^۲ صورت گرفت و در پی آن اندیشمندان مختلف چینی اقدام به تأسیس دانشگاه‌های برجسته متعددی کردند و از آن زمان تاکنون ۳۰ رتبه‌بندی از سوی ۱۳ واحد آموزشی و مؤسسه مختلف انجام پذیرفته است (اوا،^۳ ۲۰۰۱). ظاهراً از طریق تحقیق، می‌توان گرایش به رتبه‌بندی و یا کسب رتبه را در بین مؤسسات آموزش عالی افزایش داد؛ به همین دلیل، دو نمونه از مشهورترین رتبه‌بندی‌های صورت‌پذیرفته در نظام آموزش عالی، یعنی رتبه‌بندی نتبیگ و رتبه‌بندی مؤسسه علوم مدیریتی گانگ دونگ^۴، به دلیل شاخص‌های مورد استفاده‌شان و نیز جنبه‌های غیرتحقیقاتی‌شان مورد بحث و مجادله قرار گرفتند (اشر^۵ و سوینو^۶، ۲۰۰۷).

پروژه ۲۱۱

در سال ۱۹۹۵، دولت چین پروژه ۲۱۱ را آغاز کرد. این عنوان به این نکته اشاره دارد که دولت چین باید اقدام به تأسیس بیش از ۱۰۰ مؤسسه آموزش عالی دارای نشان برجسته و منطبق با دیسیپلین‌های قرن بیست و یکم کند و این ابتکار در برنامه پنج‌ساله نهم دولت چین مورد تأکید قرار گرفته است. اهداف این پروژه عبارت‌اند از: تربیت نیروی انسانی متخصص و سطح بالا برای به انجام رساندن راهبردهای ملی مورد نیاز توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور، تأثیر پروژه بر گسترش و توسعه آموزش عالی، شتاب‌دادن به پیشرفت‌های اقتصاد ملی، به جلو بردن علوم، فناوری و فرهنگ چینی، افزایش توانایی‌های بالقوه چین در کسب موفقیت در رقابت‌های بین‌المللی و تربیت نیروی انسانی متخصص و سطح بالا در مؤسسات آموزش عالی خود کشور چین (CERNET، ۲۰۰۷).

1. Ranking
2. China management sciences institute
3. WU, Shulian
4. Netbig & Guangdong institute of Management Sciences(GISM)
5. Usher, Alex
6. Savino, Massimo

یکی از اهداف عمده این پروژه، تأسیس یک کارگروه بودجه‌بندی خاص در مؤسسات آموزش عالی برای بهبود و اثربخش کردن کیفیت آموزش‌ها، تحقیقات و مدیریت آن مؤسسات آموزش عالی بوده است و انتظار می‌رود که نحوه شکل‌گیری این کارگروه، از استانداردهای کیفی نشئت بگیرد؛ همچنین، انتظار می‌رود که اغلب دانشگاه‌های تحت پوشش پروژه ۲۱۱ قادر باشند که فعالیت‌ها، شرایط فیزیکی و توانایی‌های علمی کارکنان و اعضای هیئت علمی خود را به بهترین نحو ممکن افزایش دهند. در پروژه ۲۱۱ سه قابلیت عمده مورد توافق نهایی قرار گرفته است که عبارت‌اند از: توسعه شایستگی‌ها و قابلیت‌های تمامی مؤسسات آموزشی، توسعه زمینه‌های انضباطی اساسی و توسعه سیستم خدمات عمومی در آموزش عالی (CERNET, ۲۰۰۷).

پروژه ۹۸۵

در مقایسه با پروژه ۲۱۱، در زمینه پروژه ۹۸۵ اطلاعات کمتری در اختیار است. عنوان این پروژه از ماهی که آن اعلام شده است، یعنی همان ماه می (۱۹۹۸/۵) گرفته شده است. در این ماه، جینگ زمین^۱ بیان کرده است که چین نیازمند دانشگاه‌های متعددی که از نظر بین‌المللی سطح بالایی داشته باشند، است. بر این اساس، MoE «برنامه فعال آموزشی»^۲ هم‌سوی قرن بیست و یکم را به طور قاطعانه برای توسعه، گسترش و تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی سطح بالا و برجسته آغاز کرده است. هدف اصلی پروژه ۹۸۵ توسعه ۱۰ تا ۱۲ مؤسسه موسوم به مؤسسات دارای نشان جهانی بوده است که بتوانند با مهم‌ترین انجمن‌ها و مؤسسات آموزش عالی جهانی رقابت کنند و در این زمینه، بیش از ۱۴ بیلیون بودجه برای اولین مرحله این پروژه از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۳ هزینه شده است. فعالیت این پروژه، در ابتدا بر روی ۱۰ دانشگاه مطرح چین متمرکز بوده است، اما در مراحل بعدی، ۳۹ دانشگاه دیگر نیز از این طرح بهره‌مند شدند (MoE, ۲۰۰۷).

جهانی‌سازی و اصلاحات آموزش عالی در چین

روند جهانی‌سازی و جهانی شدن تأثیرات شگرفی را بر همه کشورهای جهان در طی دو دهه گذشته تحمیل کرده است، که این مسئله، نه تنها بر جنبه‌های اقتصادی، بلکه تمامی جنبه‌های زندگی بشری به شدت تأثیر گذاشته است؛ بنابراین، نظام‌های آموزش عالی کشورهای مختلف نیز همانند سایر بخش‌ها از این فرآیند بی‌نصیب نبوده و به دلیل جهانی‌سازی تغییرات متعددی را تجربه کرده‌اند.

1. Jiang Zemin

2. Educational action plan

در چین نیز تغییرات حاصله در سطح بین‌المللی و ملی، جهانی‌سازی و همچنین نظام‌های اقتصادی سبب وقوع چالش‌های جدیدی در آموزش عالی شده‌اند. دولت چین برای مقابله با مسائل و مشکلات ناشی از جهانی‌سازی اقدامات متعددی را انجام داده است، که دو تا از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است (زهونگ^۱، ۲۰۰۵):

الف) جهت‌گیری نوین^۲

با انجام اصلاحات و اعمال سیاست‌های درهای باز^۳ در دهه ۱۹۷۰، رهبران چین به نمایندگی «دن ژیوپوینگ»^۴، اقدام به بازشناسی اهمیت نظام آموزشی در دستیابی به اهداف ملی و مدرنیزه‌سازی^۵ همه‌جانبه کشور کردند. در اوایل دهه ۱۹۸۰، دن اعلام کرد که نظام آموزشی باید برای پاسخ‌گویی به نیازهای مدرنیزه‌سازی چین به سوی جهانی شدن و دنیای قرن بیست و یکم تغییر جهت دهد و این اظهار وی ضرورت اعمال تغییرات بنیادی در مفهوم نظام آموزشی چین را نمایان ساخته است. قبل از این اظهارات، نظام آموزشی در چین طی مدتی طولانی، عمدتاً به منظور پیاده‌سازی ایدئولوژی‌های سیاسی حزب کمونیست و ثبات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفت. تفکرات «دن» در زمینه تغییر جهت دادن نظام آموزشی چین به سوی جهانی‌سازی، جهانی شدن و آینده جهان، باعث شد که اسناد و مدارک زیادی دال بر اهمیت نظام آموزشی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. در پی این اقدامات، در مصوبات قانونی آموزش و پرورش چین در سال ۱۹۸۵ تصریح شده است که: نظام آموزشی پایه و اساس مدرنیزه‌سازی کشور سوسیالیستی چین است و دولت باید رشد و توسعه اعمال و اقدامات آموزشی را در اولویت کارهای خود قرار دهد و همه آحاد جامعه نیز باید درگیر در اقدامات و مسائل آموزشی شوند و به رشد و توسعه نظام آموزشی کمک کنند (هی^۶ و پن^۷، ۲۰۰۳).

از زمانی که چین شروع به تأسیس نظام اقتصاد مبتنی بر بازار سوسیالیستی^۸ کرده است، نقش نظام آموزشی نیز مهم‌تر شده و طبق این ایدئولوژی، نظام آموزشی به عنوان ابزاری بسیار ارزشمند در خدمت طبقه کارگر قرار گرفته است. گسترش نظام آموزشی در چین دارای چند هدف کلی برای ساختن چین به عنوان یک جامعه ثروتمند و توسعه‌یافته است که سه هدف عمده آن عبارت‌اند از: ۱. شکل دادن یک

1. Yang, Zhong

2. Reorientation

3. Open-door

4. Deng, Xiaoping

5. modernization

6. He, R. L

7. Pan, Y. L.

8. Socialist market economy system

نظام آموزشی ملی که یادگیری مادام‌العمر را ارتقاء دهد، ۲. آماده‌سازی و تربیت صدها میلیون نفر نیروی کار با مهارت‌ها و شایستگی‌های مورد نیاز بخش‌های مختلف بازار کار، ده‌ها میلیون نفر متخصص و تعداد زیادی استعداد خلاق و ۳. فراهم کردن علوم و دانش‌های مورد نیاز برای نوآوری‌های فناورانه، ساختار اقتصادی و شکوفایی فرهنگی (زهونگ، ۲۰۰۵).

ب) تمرکززدایی^۱ از آموزش عالی

بعد از تأسیس حکومت جمهوری خلق چین، در دهه ۱۹۵۰ نظام آموزشی آن نیز همانند سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور به شدت تحت قیمومت دولت مرکزی در آمده و دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، مدیریت، تصمیم‌گیری در زمینه برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی و فراهم کردن و تخصیص بودجه‌های نظام آموزشی را به طور همه‌جانبه در اختیار خود قرار داده است. بعد از مدتی، رهبران این کشور متوجه شدند که نظام آموزشی به شدت متمرکز، باعث از بین رفتن نوآوری و خلاقیت و کاهش اشتیاق حکومت‌های محلی و مؤسسات خصوصی در زمینه مشارکت در امور آموزشی شده است؛ بنابراین، آنان پی بردند که برای احیاء و بازسازی کشور چین از طریق علوم نوین و نظام آموزشی، ضرورت دارد که نظام آموزشی به صورت غیرمتمرکز اداره شود (زهونگ، ۲۰۰۵).

طبق تصمیمات جدید کمیته مرکزی حزب کمونیست چین^۲ در زمینه اصلاح نظام آموزشی، که در سال ۱۹۸۵ اعلام شد، فرایند تمرکززدایی از آموزش عالی این کشور از این سال آغاز شده است. در سال ۱۹۹۳ کمیته مذکور و دولت مرکزی، برنامه اصلاح و توسعه آموزش عالی چین^۳ را ارائه کردند و در این سند آمده است که یکی از مهم‌ترین سیاست‌های ملی دولت و حزب کمونیست از این به بعد، ترغیب و پرورش فعالانه و تمام‌عیار حمایت مؤسسات اجتماعی و شهروندان برای تأسیس مراکز آموزشی بر اساس قانون و فراهم کردن رهنمودهای شایسته و مدیریت مطلوب برای این مؤسسات آموزشی است (ین^۴ و وایت^۵، ۱۹۹۴).

بعد از تصمیمات اتخاذشده در زمینه تمرکززدایی از نظام آموزشی کشور، درخصوص اداره مراکز آموزش عالی، در ماده ۱۴ قانون آموزش و پرورش آمده است که: آموزش عالی باید از طریق انجمن‌های ایالتی و حکومت‌های مردمی ولایت‌ها، نواحی خودمختار و شهرداری‌هایی که به طور مستقیم تحت حاکمیت دولت مرکزی

1. Decentralization

2. Chinese communist party central committee

3. Program for education reform and development in china

4. Yin

5. White

قرار دارند، اداره شوند؛ همچنین، در زمینه فراهم کردن آموزش عالی در قانون آموزش عالی جمهوری خلق چین آمده است که: با مشخص شدن نیاز به توسعه اقتصادی و اجتماعی، دولت باید برنامه‌های توسعه آموزش عالی را تنظیم کند و اداره مؤسسات آموزش عالی و ارتقاء آموزش عالی به روش‌های متعدد را سرلوحه کار خود قرار دهد؛ سپس دولت باید همه بخش‌های اجتماعی را از جمله مؤسسات تجاری و اقتصادی، مؤسسات آموزشی، سازمان‌های عمومی یا گروهی و همچنین شهروندان را تشویق کند که مطابق با قانون در امور آموزش عالی به طور فعالانه مشارکت و از اصلاحات و توسعه آموزش عالی به طور همه‌جانبه حمایت کنند (کمیته مرکزی حزب کمونیست و انجمن دولتی چین، ۱۹۹۹).

چالش‌های عمده آموزش عالی چین

بی‌شک مؤسسات آموزش عالی چین با این همه عظمت و گستردگی نمی‌توانند بدون چالش باشند؛ از این رو چالش‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد، که چهارتای آنها که از بقیه مهم‌تر و اساسی‌تر هستند (برندنبورگ و زو، ۲۰۰۷)، در ادامه مورد بررسی و تشریح قرار خواهند گرفت؛

۱. نابرابری آموزش عالی برای ساکنان مراکز شهری و نواحی روستایی

یکی از چالش‌های عمده آموزش عالی چین که باید مورد بررسی قرار گیرد، این است که آیا تمامی افراد نواحی شهری و روستایی یا جمعیت‌های ساکن در مرکز چین و نواحی حاشیه‌ای آن از فرصت‌های یکسانی در دستیابی به مؤسسات آموزش عالی برخوردارند؟ آنچه مشخص است و اسناد و مدارک نیز گویای آن هستند، این است که در چین بین افراد نواحی مذکور نابرابری‌های فراوانی وجود دارد و این مسئله یکی از چالش‌های مهمی است که آموزش عالی چین با آن رو به رو است (ملوین^۱، ۲۰۰۶). به زعم «هنز»^۲ (نقل از برندنبورگ و زو، ۲۰۰۷)، این مسئله از اینجا ناشی می‌شود که دانشگاه‌های چین اغلب در نواحی ثروتمندترین تأسیس شده‌اند؛ از این رو، مسئولان و برنامه‌ریزان این دانشگاه‌ها، بین دانشجویان شهری و روستایی تفاوت‌های فراوانی می‌گذارند؛ همچنین، برنامه درسی و دوره‌هایی که این دانشگاه‌ها ارائه می‌دهند، عمدتاً مناسب افراد ثروتمند است و پاسخ‌گوی نیازهای خاص افراد روستایی نیست. «جی کوب»^۳ (۲۰۰۶) در این زمینه بیان کرده است که در دانشگاه‌هایی که دانشجویان شهری و روستایی با یکدیگر تحصیل می‌کنند، دائماً بین این دو گروه

1. The central committee of communist party of china and the state council

2. Melvin

3. Henze

4. Jacob

دانشجو کشمکش و نزاع وجود دارد. دانشجویان شهری احساس ارجحیت و اولویت نسبت به دانشجویان مناطق روستایی داشته و بر آنان فخر فروشی می‌کنند؛ از این‌رو، دانشجویان مناطق فقیرنشین که در این مؤسسات تحصیل می‌کنند، در اغلب موارد احساس حقارت و کمبود می‌کنند.

۲. بیکاری^۱

گرچه در دو دهه اخیر یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های مربوط به نظام آموزش عالی در تمامی کشورهای جهان، مسئله اشتغال مرتبط و مولد فارغ‌التحصیلان آن نظام است، اما نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در اکثر کشورهای جهان به طور تصاعدی رو به افزایش است. نظام آموزش عالی چین نیز از این قاعده مستثنا نبوده و مهم‌ترین چالشی که این نظام با آن رو به رو است، مسئله افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان مؤسسات آموزش عالی کشور است؛ به عنوان نمونه، در سال ۲۰۰۶ مؤسسات آموزش عالی چین بیش از چهار میلیون فارغ‌التحصیل (در مقایسه با سال ۲۰۰۱ که این نسبت یک میلیون و یکصد هزار نفر بوده است) داشته‌اند که می‌توان گفت که گرچه نظام آموزش عالی این کشور از نظر کمی، تعداد بسیار زیادی مدیر، فرمانده، دکتر، تکنسین و متخصص برجسته تربیت کرده است، اما بازار کار کشور آمادگی لازم برای جذب و استخدام این نیروی عظیم متخصص و ماهر را نداشته است. به علاوه، در چین به طور سنتی افراد دانشگاهی از منزلت اجتماعی و جایگاه خاصی برخوردار هستند؛ از این‌رو، بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی حاضر نیستند که خود را به هر قیمتی بفروشند و تن به هر کاری بدهند و این وضعیت نیز باعث شده است که نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان افزایش بیشتری پیدا کند (ملوین^۲، ۲۰۰۶).

علاوه بر اینها، در بازار کار و اقتصاد امروزی چین برخی مشاغل وجود دارند که نیازمند مهارت‌های خاصی هستند، که فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از آن مهارت‌ها برخوردار نیستند. همچنین، چون اغلب دانشگاه‌ها بهترین فارغ‌التحصیلان مدارس را پذیرش می‌کنند، این امر باعث شد که بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که اغلب از نخبگان جامعه هستند، به ناچار و از روی بیکاری و نبود شغل مرتبط با تخصص آنان، اغلب دست به فعالیت‌های پست و یا خلاف بزنند (ملوین، ۲۰۰۶).

۳. کاهش کیفیت آموزش عالی

تحقیقات متعدد نشان دادند که همواره بین میزان جمعیت و کیفیت به طور تنگاتنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد، به گونه‌ای که اگر جمعیت افزایش یابد (همان‌گونه که

1. Unemployment

2. Melvin

هنگامی که میزان تولید و ساخت ماشین، خانه و غیره، نسبت به جمعیت افزایش یابد، به طور یقین تعادل بین عرضه و تقاضا بر هم می‌خورد، تقاضا برای آموزش نیز افزایش یافته و چون بین عرضه و تقاضای آموزش رابطه معناداری وجود ندارد، از این‌رو، کیفیت به نفع کمیّت کاهش خواهد یافت؛ از این‌رو، به طور مسلم کاهش کیفیت نظام آموزش عالی، با افزایش تقاضا برای دستیابی به آن، در کشور چین با جمعیت عظیم آن، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود (جی کوب، ۲۰۰۶). البته دولت چین از این چالش، به طور کامل آگاه بوده و برای مقابله با آن و افزایش کیفیت آموزش عالی تلاش‌های فراوانی اتخاذ کرده است؛ به گونه‌ای که هدف اصلی دو پروژه ۲۱۱ و ۹۸۵ نیز افزایش کیفیت آموزش عالی بوده است. دولت چین ضمن تضمین دو پروژه مذکور، در برنامه پنج‌ساله نهم (۲۰۰۷-۲۰۱۰) از رویکرد آغاز اجرای پروژه‌های همسو با آموزش و پرورش کیفی حمایت‌های لازم را به عمل آورده است. همچنین، از اقدامات دیگری که دولت برای مقابله با چالش افت کیفیت اتخاذ کرده است، می‌توان به پروژه توسعه همه‌جانبه آموزش و پرورش در مناطق روستایی، افزایش کیفیت تدریس معلمان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها از طریق برنامه‌های متعدد، تأکید بر گسترش و بهبود تدریس زبان انگلیسی در دانشگاه‌های چین، تأکید بر ارتقای حرفه‌ای و علمی استادان، توجه به ارتقای کیفیت آموزشی در مقاطع سه‌گانه قبل از دانشگاه و در نهایت، اصلاح آموزش پزشکی، اشاره کرد (برنامه فعال MoE، ۲۰۰۵).

۴. تغییرات جمعیت‌شناختی^۲

یکی دیگر از چالش‌های اساسی کشور چین، مسئله کنترل جمعیت است. با توجه به جمعیت کنونی چین و تدابیری که برای کنترل جمعیت در این کشور صورت پذیرفت، تا سال ۲۰۵۰، حدود ۳۱ درصد از جمعیت چین را افراد بالای ۶۰ سال تشکیل خواهد داد، که این امر عواقب متعددی را برای کشور در پی خواهد داشت. دانشگاه‌های چین نیز مورد تأثیر این مسئله قرار خواهند گرفت. سؤالی که در این زمینه برای آموزش عالی مطرح است، این است که این نظام چه برنامه‌ای برای دوره‌های بعد از این بحران در پیش دارد؟ به‌زعم «برندن‌بورگ» و «زو» (۲۰۰۷)، دولت در این زمینه اصلاحات مؤثری را آغاز کرده است و با سیاست‌هایی از قبیل: افزایش مجدد نرخ جمعیت کشور، حمایت از سیاست‌های آموزشی یادگیری مادام‌العمر و پر کردن صندلی‌های دانشگاه‌های چین از طریق دانشجویان چینی به جای دانشجویان خارجی، سعی در مقابله با این چالش دارد.

1. MoE action plan

2. Demographic change

نتیجه‌گیری

نظام آموزش عالی چین، در چند دهه اخیر از نظر کمی و کیفی تحولات گسترده‌ای را تجربه کرده است و عمده این تحولات، اصلاحات اساسی در حوزه آموزش عالی در راستای جهانی‌سازی و ظهور اقتصاد دانش‌محور بوده است؛ از این‌رو، با پذیرش سیاست درهای باز، آموزش عالی این کشور موقعیت فناورانه بسیار مهمی را کسب کرده است. تحولات ناشی از سیاست درهای باز و جهانی‌سازی تأثیرات زیادی را بر نظام آموزش عالی چین، که به طور سنتی و از دیرباز متأثر از قوانین کمونیستی بوده است، گذاشته است؛ در واقع، سیاست درهای باز مبنای قضاوت و تفکر در مورد مسائل مربوط به آموزش عالی را برای تصمیم‌گیران، مدیران مؤسسات آموزشی، نمایندگان حزب کمونیست و سایر گروه‌ها فراهم آورده است.

از آنجا که هیچ‌گونه اصلاح و تحولی بدون کسب رضایت اکثریت نمی‌تواند به موفقیت دست یابد، توافق همگانی بر روی ضرورت جهت‌گیری نوین آموزش عالی، را می‌طلبد. پایه و اساس راهبرد توسعه آموزش عالی در چین بر سه محور عمده تمرکززدایی در سطح مدیریت آموزش عالی، توسعه شاخص‌های آموزش عالی و هدفمند کردن منابع مالی و قوانین مربوط به آموزش عالی متمرکز بوده است. این اقدامات راهبردی، نتایج زیادی را در زمینه بهبود اعمال و اقدامات مؤسسات آموزشی به وجود آورده‌اند. تحولات ایجادشده در آموزش عالی چین، دارای یک سیر منطقی و منظم بوده است؛ به گونه‌ای که این اصلاحات ابتدا از سطوح کلان تصمیم‌گیری شروع شده و سپس به سطوح مدیریتی و اداری و در نهایت سطوح عملیاتی انتقال پیدا کرده‌اند.

گرچه تحولات آموزش عالی چین دارای پیشرفت‌های معنادار و مثبت فراوانی از جمله افزایش فرصت‌های دستیابی به آموزش عالی، ارتقاء کیفیت آموزش عالی و نیز نیروی کار بوده است، با وجود این، تحولات آموزش عالی این کشور در چند دهه گذشته بدون عیب و ایراد نبوده است. این تحولات و فرایندهای اصلاحی، مسائل و مشکلات جدید بسیار زیادی را به وجود آورده است که از جمله آنها می‌توان به رشد ناهماهنگ انواع متفاوتی از مؤسسات آموزش عالی، گسترش نابرابری‌های منطقه‌ای در زمینه دستیابی مساوی و کیفی به آموزش عالی و عدم همبستگی و هماهنگی بین آداب و رسوم سنتی و مطلوب چین و تحولات ناشی از بین‌المللی‌سازی آموزش عالی اشاره کرد.

با وجود این، دولت چین اقدامات مهمی را در زمینه مقابله با این چالش‌ها انجام داده، و در این زمینه نیز موفقیت‌های مهمی را کسب کرده است؛ بنابراین، آنچه که از تجربه تحولات، چالش‌ها و اصلاحات نظام آموزش عالی چین و اقداماتی را که این کشور، برای ارتقاء نظام آموزش عالی در رویارویی با چالش‌ها انجام داده است،

می‌توان استنتاج کرد، این است که در کشور عزیز ایران، شایسته است سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و اعضای محترم هیئت علمی، از طریق انجام پژوهش‌های دقیق، اقدام به شناسایی چالش‌های مهم نظام آموزشی کنند و از ایده‌های جهشی و یکباره تحول‌آفرین پرهیز و همواره تلاش کنند که تحولات و اصلاحات در نظام آموزش عالی کشور به صورت تدریجی، مرحله به مرحله و متناسب با ظرفیت و حساسیت مسائل فرهنگی و آموزشی و با توجه به شرایط ملی و قوانین و مقررات کشور و میزان قابلیت‌ها و ظرفیت مؤسسات آموزشی مختلف و با مطالعه دقیق تجربیات و دستاوردهای سایر کشورهای پیشرفته صورت پذیرد.

منابع

- Bie, D. (2007). *Higher Education in Asia in the 21st Century: Reality and Prospects*. Presentation on the Salzburg Seminars, Salzburg 2006.
- Brandenburg, U. & Zhu, J. (2007). *Higher Education in China in the light of massification and demographic change (Lessons to be learned for Germany)*. Arbeitspapier Nr. 97, Oktober 2007.
- CERNET (2007). <http://www.cernet.edu.cn/20010101/21851.shtml>
- Chen, H. (2003). Adjustment of colleges and departments of universities in 1952. *Modern China Studies (in Chinese)*, No. 82, Vol. 3. <http://www.chinayj.net/StubArticle.asp?issue=030313&total=82>.
- China Education Newspaper. (2007). http://www.jyb.com.cn/zs/gxzs/ptgxzs/zsyz/t20070607_89340.htm
- China Statistical Yearbook (1999). <http://www.stats.gov.cn/english/statisticaldata/yearlydata/YB1999e/t18e.htm>.
- China Newsweek (2005). <http://www.chinanewsweek.com.cn/2005-10-10/1/6434.html>.
- Gu, M. (2004). Influence of Soviet Union's Educational Theory on Chinese Education. *Journal of Beijing Normal University (Social Sciences)*, No. 181, Vol. 1, 5-13.
- Hayhoe, R. (1989). China's universities and Western academic models. *Higher Education*, No. 18, 49-85.
- He, R. L. & Pan, Y. L. (2003). General Education, Practical Skills and Internationalization: Trends of Curriculum Development in the Transitional Period and Their Implications. *Qinghua University Education Research*, No. 9, 98-103.
- Jacob, W. J. (2006). Social Justice in Chinese Higher Education: Regional Issues of Equity and Access. *International Review of Education*, No. 52, 149-169.
- McMillian, J. S. (2003). *The Country Education Profile Update 2003 for China*. Published by Printing Group AEI-NOOSR. ISBN 1 877032 59 X.
- Melvin, S. (2006). China's College Revolution. *The Wilson Quarterly*, 2006. <http://www.wilsoncenter.org/index.cfm?fuseaction>.
- Mullins, R. (2005). Test Fever. *China Today Online*. <http://www.chinatoday.com.cn/English/e2005/e200506/p34.htm>.
- MoE Action Plan (2005). *2003-2007 Action Plan for Invigorating Education*. <http://www.moe.edu.cn/edoas/website18/info15425.htm>.
- MoE Higher Education (2007). http://www.moe.edu.cn/english/higher_h.htm.
- Netherlands Education Support Office Beijing (2005). *Perceptions of European higher education in third countries: A study carried out by the Academic Cooperation Association, China Country Report*. Prepared for Academic Cooperation Association, Brussels 2005.
- Ouyang, K. (2004). Higher Education Reform in China Today. *Policy*

- Futures in Education*, No. 1, Vol. 2, 141-149.
http://www.worlds.co.uk/pdf/viewpdf.asp?j=pfie&vol=2&issue=1&year=2004&article=8_Kang_PFIE_2_1_web&id=195.71.119.8
- Shelley M. F. (2001). *A Guide to Evaluating Educational Credentials from China*. Second printing 2001. ISBN 1-883971-0-4. 20.
- The Central Committee of Communist Party of China and the State Council (1999). *The Program for Education Reform and Development in China*.
- UNESCO. (1998). *Higher Education in the Twenty-first Century (Vision and Action)*. Speech of her H. E. Ms Chen Zhili Minister of Education, People's Republic of China. *World Conference on Higher Education*. Paris, 5-9 October 1998. ED-99/HEP/WCHE/Vol.V-MS-37.
- Usher, A. & Savino, M. (2007). *A Global Survey of Rankings and League Tables. College and University Ranking Systems. Global perspectives and American Challenges*. IHEP, Washington D.C. 2007:23-34.
http://www.ihep.org/Pubs/PDF/College_and_University_Ranking_Systems_Final.
- Wu, S. (2001). *How many universities ranking in China?* 5 September, 2001. <http://www.people.com.cn/GB/kejiao/41/20010905/551982.html>.
- Yang, D. (2007). *Soviet Higher Education Pattern in China: About the Adjustment of Colleges and Departments of Universities in 1952* (in Chinese). <http://www.tecn.cn/data/detail.php?id=10940>.
- Yin, Q. & White, G. (1994). *The Marketization of Chinese Higher Education: A Critical Assessment*. *Comparative Education*. No. 30, vol. 3, 217-237.
- Yuan, B. (2000). *An analysis of innovation in Chinese Higher Education adaptable to the New environment*. *Current Issues in Chinese Higher Education. Education and Skills*. OECD (2000): 91-100.
http://www.eric.ed.gov/ERICDocs/data/ericdocs2sql/content_storage_1a/58/58.pdf.
- Yun, B. & Frey, J. (2005). *The Educational System of China, Educational Credential Evaluators*. Inc, Unpublished material for a workshop at EAIE. Seminar in Cracow in Sept 2005.
- Zhong, Y. (2005). *Globalization and Higher Education Reform in China*. Northeast Normal University China.
- Zhuo, Q. (1994). *Prospects: the quarterly review of comparative education*. *UNESCO International Bureau of Education*, No. 1/2, Vol. 24, 93-106.
<http://www.ibe.unesco.org/publications/ThinkersPdf/maoe.pdf>.